

دو فصلنامه علمی - پژوهشی «پژوهش سیاست نظری»
دوره جدید، شماره سیزدهم، بهار و تابستان ۱۳۹۲: ۵۲-۲۹
تاریخ دریافت: ۱۳۹۰/۰۹/۰
تاریخ پذیرش: ۱۳۹۲/۱۲/۲۱

اینترنت و رادیکال دموکراسی: درآمدی بر شکل‌گیری رادیکال دموکراسی مجازی

میثم قهرمان*

مجید عباس‌زاده مرزبالی**

چکیده

دموکراسی کثرت‌گرای رادیکال لاکلاو و موفه راهی است برای خاتمه دادن به هر گونه اندیشه ذاتی درباره زندگی سیاسی؛ راهی که در آن قدرت‌های پراکنده، هژمونی‌های موازی و در نتیجه گفتمان‌های متعدد شکل می‌گیرد. گفتمان‌هایی که توانایی اقناع و اشباع‌کنندگی گزاره‌های آنها می‌تواند آنها را به گفتمان هژمونیک تبدیل نماید. اما آنچه در این دموکراسی رادیکال پراهمیت جلوه می‌نماید آن است که در نتیجه توسعه فرهنگی ناشی از پست مدرنیسم و بازی‌های گفتمانی باید غیریت و تکثر موجود در جامعه در شکل رقابت حفظ شود. نگارندگان معتقدند که بر خلاف دنیای واقعی، درون فضای مجازی امکان تحقق چنین رقابتی فراهم می‌گردد. از اینرو در این نوشتار از آن به رادیکال دموکراسی مجازی یاد می‌گردد؛ رادیکال دموکراسی‌ای که توانایی بسیاری برای تأثیرگذاری در زندگی اجتماعی و سیاسی دارد. در نتیجه سؤال اصلی این مقاله که درصد پاسخ به آن هستیم، این است که اینترنت چگونه باعث شکل‌دهی و تحقق رادیکال دموکراسی مجازی می‌شود؟ فرضیه نوشتار حاضر این است که فضای مجازی اینترنت با ویژگی‌های منحصر به فردی نظیر ابرمتنی، ابرشبکه‌ای، کنش تعاملی و تمرکززدایی قدرت رسانه‌ای که به وسیله دو ویژگی امکان دست‌یابی به هویت مجازی و امکانات تخصصی و فنی غیر انحصاری اینترنت تضمین می‌گردد، توانایی شکل‌دهی به رادیکال دموکراسی مجازی را دارد.

واژه‌های کلیدی: اینترنت (فضای مجازی)، رادیکال دموکراسی، رادیکال دموکراسی مجازی و گفتمان.

Meisam.ghahreman@gmail.com

M.a.marzbali@gmail.com

* نویسنده مسئول: دانشجوی دکتری علوم سیاسی دانشگاه تهران
** دانشجوی دکتری علوم سیاسی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

www.SID.ir

در عرصه اندیشه سیاسی، نظریه رادیکال دموکراسی لاکلائو و موفه را می‌توان راهی دانست برای خاتمه دادن به هر گونه اندیشه ذاتی درباره زندگی سیاسی؛ راهی که در آن قدرت‌های پراکنده، هژمونی‌های موازی و در نتیجه گفتمان‌های متعدد شکل می‌گیرد. این دو به طور کلی با بهره‌گیری از رهیافت گفتمانی خود و نیز با به‌کارگیری سلاح نقد و استفاده از روش واسازی دریدا، شالوده و ساخت مارکسیسم سنتی و ارتدکس را مورد چالش و بازخوانی جدی قرار دادند.

به باور لاکلائو و موفه، هر گونه تلاش برای واداشتن مجدد مرکز (ایدئولوژی مارکسیسم) به تفسیر اینکه چه چیزی برای مردم حقیقت و خوب است، به توتالیتریسم می‌انجامد. بنابراین تنها راه تضمین کثرت‌گرایی در مقابل توتالیتریسم و نیز امکان ایجاد یک جامعه سیاسی مساوات‌گراتر و فراگیرتر، رادیکال شدن دموکراسی لیبرال و استقبال از تعدد و تنوع استراتژی‌های رهایی است. بنابراین وظیفه چپ نمی‌تواند کنار گذاشتن ایدئولوژی لیبرال دموکراسی باشد، بلکه برعکس وظیفه آن را باید تعمیق و گسترش آن در جهت یک دموکراسی رادیکال و متکثر دانست. در رادیکال دموکراسی‌ای که دیگر تصور وجود تنها یک راه و یک گفتمان امکان‌پذیر نبوده و غیریت و تکثر موجود در جامعه، در شکل رقابت حفظ می‌شود.

به باور بسیاری، متحد گشتن جامعه حول اصول آزادی، برابری و تکثر مدنظر لاکلائو و موفه در این نظریه، تا حد زیادی آرمانی جلوه می‌کند. اما نگارندگان مقاله حاضر بر این باورند که این مؤلفه‌ها علی‌رغم غیر پراگماتیک بودنشان در دنیای واقعی، درون فضای مجازی، جنبه‌ای عملی و پراگماتیک به خود می‌گیرند که این خود ناشی از ویژگی‌های فضای مجازی یا اینترنت است که هیچ تمرکز قدرت رسانه‌ای را بر نمی‌تابد و در نتیجه آن، تکثر، رقابت، آزادی، برابری و غیریت مدنظر الگوی رادیکال دموکراسی در فضای مجازی تا حد قابل قبولی امکان‌پذیر می‌گردد. بنابراین نگارندگان از آن با عنوان «رادیکال دموکراسی مجازی» یاد می‌کنند، رادیکال دموکراسی‌ای که مدیون ویژگی‌های اینترنت است. در واقع فضای مجازی به باور این پژوهش، عرصه‌ای است که نظریه رادیکال دموکراسی در آن جنبه عملیاتی به خود گرفته و گفتمان‌های مختلف می‌تواند مسائل سیاسی‌ای را که در مخالفت با گفتمان مسلط باشد، به روشنی بیان کند.

اینترنت به تعبیر دریفوس، یک ابداع فناورانه جدید نیست، بلکه نوع جدیدی از ابداع تکنولوژیک است؛ نوعی که درست جوهر فناوری را آشکار می‌کند. اگر ماهیت تکنولوژی این است که همه چیز را به راحتی بهینه و در دسترس سازد، پس اینترنت وسیله‌ای کاملاً تکنولوژیک است. اینترنت نقطه نهایی این گرایش است که هر چیزی را تا حد ممکن انعطاف‌پذیر کنیم. گرایشی که ما را به اینجا رسانده که هر قدر از واقعیت را که می‌توانیم دیجیتال کنیم و به هم پیوند دهیم (دریفوس، ۱۳۸۹: ۳-۴).

فضای سایبر را می‌توان دنیای جدیدی دانست که در آن تردد جهانی دانش، رموز، سنجش‌ها، شاخص‌ها، سرگرمی‌ها و عاملیت دیگر انسانی شکل می‌گیرد. تاکنون هرگز روی سطح زمین دیده نشده بود که امور دیدنی، صداها و حضورها در یک روشنایی عظیم الکترونیک شکوفا شود. فضای سایبر یک جغرافیای ذهنی عام است که در مقابل با اجماع و انقلاب، اصول و تجربه ساخته می‌شود. قلمرویی که مملو از داده‌ها و کذب‌ها، مواد ذهنی و خاطرات طبیعت، با یک میلیون صدا و دو میلیون چشم در یک هماهنگی ساکت و نامریی نسبت به تحقیق، انجام معامله، سهیم شدن در رؤیایها و مشاهده ساده است (بل، ۱۳۸۹: ۲۳). اینترنت در واقع این امکان را به ما می‌دهد تا هویت‌های منعطف‌تر از آنچه داریم، داشته باشیم و به این ترتیب گستره‌های جدیدی از معنا در زندگی‌مان پدید می‌آورد.

همانگونه که مارک دری می‌گوید: ارتباط ما با دنیای اطرافمان به وسیله فناوری رایانه، روز به روز غیر مستقیم‌تر می‌شود و اینکه کم‌کم ما در حال «Borge»^(۱) شدن هستیم، همانطور که طرفداران Stat Trek: The Next Generation آن را درک می‌کنند. به خاطر ارتباط هر چه بیشتر با ماشین‌ها یا تعامل با یکدیگر از طریق واسطه‌های تکنولوژیک، در حال تبدیل به دو رگه‌های سایبورگی، ترکیبی از فناوری و بیولوژی هستیم (دری، ۱۹۹۴: ۶). دو رگه‌های سایبورگی که در این مقاله در پی کشف نظام سیاسی و اجتماعی حاکم بر آنها هستیم.

بنابراین سؤال اصلی‌ای که در این مقاله در صدد پاسخ‌گویی به آن هستیم، این است که اینترنت (فضای مجازی) چگونه باعث شکل‌دهی و تحقق رادیکال دموکراسی مجازی می‌گردد؟ بر اساس چنین سؤالی، مفروض اساسی این کار تحقیقی به شرح زیر است:

بی‌تردید اینترنت در دو دهه گذشته، در تمامی عرصه‌های زندگی بشر از اقتصاد گرفته تا هویت‌های فرهنگی، اثرات عمیقی به جای گذاشته و کنش و واکنش‌های فردی، ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی را متأثر کرده است. بدون اغراق امروزه بُعدی از زندگی را نمی‌توان یافت که متأثر از «اینترنت» یا «فضای مجازی» نباشد.

اکنون با توجه به این مفروض و سؤال اصلی، فرضیه نوشتار حاضر بدین قرار است که فضای مجازی اینترنت با ویژگی‌های منحصر به فردی نظیر ابرمتنی، ابرشبکه‌ای، کنش تعاملی و تمرکززدایی قدرت رسانه‌ای که با دو ویژگی امکان دستیابی به هویت مجازی و امکانات تخصصی و فنی غیر انحصاری اینترنت تضمین می‌شود، توانایی شکل‌دهی به رادیکال دموکراسی مجازی را دارد.

برای بررسی چنین فرضیه‌ای در بخش اول نوشتار به بررسی چارچوب نظری تحقیق که شامل مبانی نظری و فلسفی رادیکال دموکراسی لاکلاو و موفه است، خواهیم پرداخت. در بخش

دوم، پس از بررسی ویژگی‌های فضای مجازی، به بررسی نحوه رقابت تکثرها، غیریت‌ها و گفتمان‌ها درون فضای مجازی اینترنت می‌پردازیم. بدین ترتیب روش تحقیق این نوشتار، توصیفی-تحلیلی است.

درباره پیشینه پژوهش نیز باید گفت که به طور کلی مطالعات انجام گرفته در مورد رابطه سیاست و فضای مجازی را می‌توان در دو محور زیر تقسیم‌بندی کرد.

الف) مباحث نظری و فلسفی درباره رابطه سیاست و فضای مجازی

در این دسته از مطالعات، تأثیرات فضای مجازی بر زندگی روزمره، دولت‌ها و گفتمان‌ها با نگاهی فلسفی و تئوریک بررسی می‌شود. به سخن دیگر، این طیف از مطالعات را می‌توان در ادامه مطالعاتی که درباره فلسفه و نظریه معاصر صورت گرفته، قرار داد که به فلسفیدن و تئوری‌پردازی درباره فناوری‌های جدید و در رأس آن اینترنت پرداخته‌اند. از جمله کتب جای گرفته در این زیرشاخه را می‌توان «درباره اینترنت» نوشته دریفوس، «عصر دوم رسانه‌ها» نوشته مارک پاستر، «متافیزیک واقعیت مجازی» نوشته مایکل هایم نام برد.

ب) تأثیر متقابل سیاست و فضای مجازی در عرصه واقعیت‌ها و کنش‌های سیاسی

در این دسته از مطالعات صورت گرفته، به رابطه اینترنت و سیاست به شکل عملی‌تری پرداخته شده است. راهکارهای مدیریتی، نحوه نبرد در دنیای معاصر، تعاملات اجتماعی و اطلاعاتی اینترنت، الزامات امنیت ملی درون فضای مجازی، ضرورت مطالعه دولت الکترونیک و به طور کلی سیاست رسانه‌ای شده، محورهای اصلی این مطالعات را شکل می‌دهند. از این دسته از مطالعات می‌توان به کتب و مقالاتی که در حوزه جنگ نرم نگاشته شده است، اشاره کرد. به عنوان مثال می‌توان به کتاب «قدرت نرم» نوشته جوزف نای^۱ اشاره نمود که کتابی مرجع در حوزه قدرت‌شناسی به شمار می‌رود. از کتب دیگری که می‌توان در این تقسیم‌بندی قرار داد می‌توان به «ارتباطات و سلطه فرهنگی» نوشته هربرت شیلر^۲، «گزیده‌ای از عصر اطلاعات: الزامات امنیت ملی در عصر اطلاعات» ویراسته دیوید س. آلبرتس و دانیل س. پاپ^۳، «عصر اطلاعات و دولت دسترس‌پذیر» نوشته محمد حسن‌زاده و دیگران، «جنگ نرم، ویژه جنگ رایانه‌ای» به قلم حمید ضیایی‌پرور، «دولت الکترونیک: رویکرد مدیریتی» نوشته نورمحمد یعقوبی و... اشاره کرد.

1. Joseph Nye
2. Herbert Schiller
3. David Stephen Allberts & Daniel S Papp

بخش اول - رویکرد نظری

مبانی نظری و فلسفی رادیکال دموکراسی لاکلاو و موفه

برای درک نظریه رادیکال دموکراسی لاکلاو و موفه^۱ لازم است به نظریه گفتمان آنها اشاره‌ای داشته باشیم. برداشت لاکلاو و موفه از گفتمان، یکی از ناب‌ترین صورت‌های نظریه فراساختارگرایی است؛ زیرا هیچ ساختار فراگیر، جهان‌شمول و ثابتی را قبول ندارد. بر اساس نظریه گفتمان لاکلاو و موفه، گفتمان‌ها معنای جهان اجتماعی را می‌سازند. این دو معتقد به گفتمانی (استدلالی) بودن تمام موضوعات و رفتارها^۲ هستند (هوارت، ۱۳۷۹: ۱۳۹).

البته گفتمان یک هستی‌تغییرناپذیر نیست و گفتمان‌ها به طور دائم در برخورد با یکدیگر دچار تغییر می‌شوند. به همین علت اصطلاح کلیدی این رویکرد «نبرد گفتمانی»^۳ است. گفتمان‌های متفاوت، روش‌های مختلفی را برای صحبت درباره درک جهان اجتماعی به کار می‌برند. بنابراین نبرد آنها به این دلیل است که هر گفتمان می‌خواهد صاحب هژمونی شود تا بدین وسیله معانی زبانی خاص خود را بر جهان اجتماعی تحمیل کند. بنابراین منظور از هژمونی، حاکم شدن و برتری رویکردی خاص است (فیلیس، ۲۰۰۲: ۵۰۶). به عبارت دیگر هژمونی، به عنوان تثبیت نسبی رابطه میان دال و مدلول و نظریه‌ای در باب تصمیماتی که در عرصه‌ای غیرقابل تصمیم‌گیری اتخاذ می‌گردند، تعریف می‌شود (تاجیک، ۱۳۸۳: ۲۵). لاکلاو و موفه با بسط این مفهوم به این نتیجه می‌رسند که فرآیند هژمونی و صورت‌بندی‌های هژمونیک موقتی‌اند و هیچ ثبات و عینیتی ندارند (منوچهری، ۱۳۸۷: ۱۰۹).

به‌طور کلی هدف نظریه گفتمان لاکلاو و موفه، طرح روش‌ها و فرآیندهایی است که در آن معنی نشانه‌ها تعیین و تثبیت می‌شود. فرآیندهایی که معانی قراردادی نشانه‌ها چنان عادی می‌شود که ما آنها را طبیعی می‌پنداریم. نویسندگان مذکور برای تثوریزه کردن چنین درکی از گفتمان، اصطلاحاتی چون عنصر^۴، اجزا^۵، گره‌گاه‌ها^۶ و مفصل‌بندی^۷ و غیره را به کار می‌گیرند (بهرامی کمیل، ۱۳۸۸: ۱۹۲). گفتمان‌ها، بیشتر به یکپارچه کردن عناصر و اعمال بخش‌های مختلف جامعه می‌پردازند. این تلقی ما را متوجه فرآیند یا جریان‌هایی می‌کند که گفتمان‌ها ساخته و پرداخته می‌کنند (فیرحی، ۱۳۸۱: ۵۶). گفتمان‌ها این فرآیند و جریان‌ها را با عمل مفصل‌بندی حول گره‌گاه‌ها (دال‌های مرکزی) انجام می‌دهند. مفصل‌بندی نامی است که به هر کنشی که رابطه‌ای

1. Laclau & Mouffe
2. practices
3. discursive struggle
4. element
5. moments
6. nodal points
7. articulation

را میان عناصر گوناگون ایجاد کند، به گونه‌ای که هویت آنان در اثر این کنش تغییر کند، داده شده است (تاجیک، ۱۳۷۷: ۷). به عبارت دیگر، با عمل مفصل‌بندی، عناصر به عنوان دال‌های شناوری که هنوز معنای آنها تثبیت نشده است، به اجزا (وقته) تبدیل می‌شوند. بدین ترتیب هویتی نو می‌یابند. در نتیجه گفتمان به عنوان کلیت ساختاردهی شده‌ای که از عمل مفصل‌بندی حاصل می‌شود (منوچهری، ۱۳۸۷: ۱۰۶)، شکل می‌گیرد.

به دیگر سخن، راهی که لاکلائو و موفه برای مطالعه گفتمان پیشنهاد می‌کنند، شباهت‌های چندی با مفهوم «ساخت‌یابی» گیدنز دارد که در حقیقت تلاش نظری برای فرارفتن از دوانگاری ساختار و کارگزار محسوب می‌شود. کار گیدنز در حقیقت ترکیب این دو سطح به تظاهر متضاد و متفاوت است. به گمان او، انسان‌ها با توجه به شرایط تاریخی که در آن شکل گرفته‌اند، اعمال و فرآیندهای اجتماعی را شکل می‌دهند. بنابراین نه امکان حذف این سوژه‌های انسانی از ساختار امکان‌پذیر است و نه انسان‌ها توانایی درگذشتن از شرایط تاریخی خود را دارند. در چنین منظر، اولاً ساختارها مجموعه‌ای محدود و بسته نیستند؛ ثانیاً عمیقاً تاریخی و حدودی‌اند؛ ثالثاً به مثابه پیکربندی‌های اجتماعی قابل معنا عمل می‌کنند و رابعاً همیشه در معرض انهدام، تعریف و گسست هستند.

گفتمان از منظر لاکلائو و موفه نیز چنین جایگاهی دارد، با این تفاوت که این دو به جای مفهوم ساخت‌یابی از واژه «مفصل‌بندی» سود می‌جویند تا بر پروژه‌ای بودن گفتمان تأکید ورزند. مفصل‌بندی در نزد این دو، کنشی است که رابطه‌ای را میان عناصر گوناگون ایجاد می‌کند، به گونه‌ای که هویت آنها در اثر این کنش تغییر می‌کند. به عبارت دیگر، هویت یک گفتمان با رابطه‌ای که میان عناصر گوناگون به وجود می‌آید، شکل می‌گیرد (تاجیک، ۱۳۸۴: ۸۱). برای لاکلائو این نظام شبکه نشانه‌ها، گفتمان نام دارد؛ چیزی که سوسور از آن به نام نظام زبانی یاد می‌کند و استدلال می‌نماید که نشانه و کلمات، معنای خود را نه به واسطه ارجاع به جهان خارج بلکه از طریق رابطه‌ای که بین یکدیگر در درون نظام زبانی برقرار می‌کنند، به دست می‌آورند (منوچهری، ۱۳۸۷: ۱۰۶).

به هر حال آنچه مهم است، این است که ایجاد معنا، تثبیت و یا تغییر آن به دلیل هویت رابطه‌ای نشانه‌هاست و تغییر در چیدمان یا مفصل‌بندی پدیده‌ها (نشانه‌ها) و یا قرار گرفتن آنها در شبکه روابط نشانه‌های جدید، به مثابه خلق معناست. همانطور که ملاحظه می‌شود در اینجا برخلاف رویکرد پدیدارشناسی و هرمنوتیک، از اهمیت معنادهی اذهان کاسته و به نقش معنادهی گفتمان افزوده می‌شود (بهرامی کمیل، ۱۳۸۸: ۱۹۳). از رهگذر چنین رهیافتی، لاکلائو و

موفه از یک سو، به چالشی بنیان‌کن علیه رویکردهای «تقلیل‌گرا»^۱، «جوهرگرا»^۲ و «جهان‌شمول»^۳ برخاستند و از سوی دیگر به نقد آموزه‌هایی پرداختند که جامعه را از دریچه عناصر مستقلی که هر کدام جدا از ارتباطشان با سایر عناصر، هویتی خاص دارند، تحلیل و تعریف کردند (جوهرگرایی عناصر^۴) و بدین ترتیب افقی فراسوی مارکسیسم ارتدوکسی، پساساخت‌گرایی و هرمنوتیک گشودند (تاجیک، ۱۳۸۳: ۱۹).

در نتیجه همانگونه که هیچ‌گفتمان عمومی و سازواره‌ای وجود ندارد و آنچه موجود است مجموعه‌ای از گفتمان‌های متفاوت است که با یکدیگر یک تشکل‌گفتمانی را شکل داده‌اند، هیچ‌گفتمان اجتماعی و سیاسی نمی‌تواند کاملاً عمومی و یگانه باشد. بدین ترتیب عرصه سیاست نیز عرصه بازی تکثرها و تمایزها تصویر می‌شود (همان: ۲۵). بنابراین پیروزی هر گفتمان، محصول توانایی دسترسی آن است؛ یعنی در دسترس بودن در موقعیتی که هیچ‌گفتمان دیگری خود را جایگزین واقعی هژمونیک نشان نداده باشد (لاکلاو، ۱۹۹۰: ۶۶). در واقع مطابق نظر آنها سیاست، سازمان‌دهی جامعه به شیوه‌ای خاص است، به طوری که گفتمان‌های متفاوت بر سر این سازمان‌دهی با هم به رقابت می‌پردازند. سیاست به عنوان فضایی برای بازی فهمیده می‌شود که هیچگاه بازی با حاصل جمع صفر نیست، زیرا بازیگران و قواعد هیچگاه روشن نیستند. این بازی یک نام دارد و آن هژمونی است (لاکلاو و موفه، ۱۹۸۵: ۱۹۳).

به طور کلی و در تحلیل نهایی، نظریه گفتمان لاکلاو و موفه از این عقیده ناشی می‌شود که حوزه اجتماع به نحوی همان نظام نشانه‌شناختی است که در آن مبارزه بر سر تعریف نشانه‌ها و تلاش برای تثبیت معنا جاری و ساری است. کار ویژه اصلی نظام نشانه‌شناسی اجتماعی، باز تعریف جهان به شیوه خودش است. در این جهان تعریف شده، سوژه‌ها و گروه‌های اجتماعی هویت می‌یابند (اردستانی، ۱۳۸۸: ۵۷).

لاکلاو و موفه لازم دانستند سلاح نقد را دوباره تیز کنند و با بهره بردن از روش واسازی دریدا، شالوده و ساخت مارکسیسم ارتدوکسی را مورد چالش جدی قرار دهند. به اعتقاد آنان، واقعیت تاریخی پروژه سوسیالیستی که امروزه با چهره‌ای متفاوت بروز و ظهور یافته، با واقعیت تاریخی چند دهه پیش تفاوت زیادی دارد و تنها زمانی می‌توان تعهد خود را به عنوان یک متفکر و سوسیالیست به انجام رساند که از همه تغییرات آگاه بود و در کوشش برای رسیدن به همه نتایج در سطح تئوری پافشاری کرد. به اعتقاد لاکلاو و موفه، در فضای سیاسی و فرهنگی

1. reductionism
2. essentialism
3. Universal
4. essentialism of the elements

موجود که در هنگامه آن گشتاوری‌های ساختاری سرمایه‌داری منجر به افول طبقه کلاسیک کارگر شده است، روابط تولید سرمایه‌داری در حوزه زندگی اجتماعی نفوذ عمیقی کرده و آن را دستخوش جابه‌جایی و دگرگونی کرده است. دستگاه بروکراتیک دولت رفاه منجر به تولید اشکال جدید اعتراضات اجتماعی شده است. ظهور بسیج توده‌ها در کشورهای جهان سوم، الگوهای کلاسیک مبارزه طبقاتی را به چالش طلبیده است. چپ، هیچ گزینه‌ای جز اینکه خود را تسلیم کثرت‌گرایی و منطق و منش جنبش‌های جدید اجتماعی نماید، ندارد. به بیان دیگر، چپ برای تضمین مانایی خود نیازمند پویایی عمیق نظری (تئوریک) است و این نیز حاصل نمی‌شود مگر از رهگذر نوعی واسازی رادیکال «انگاره سیاسی» سنتی حاکم بر جریان چپ (تاجیک، ۱۳۸۳: ۲۹-۳۱).

آنها به تبعیت از کلود لافور معتقدند که جوامع مدرن جوامعی هستند که در آنها مرکز قدرت خالی شده است. در جوامع ماقبل مدرن، پادشاه تجسم‌بخش دانش، مشروعیت و قدرت بود. اما در عصر مدرنیته با پایان سلطنت مطلقه، قطعیت مطلق نیز پایان می‌یابد. عزل شهاریار، شرایط را برای ایجاد دموکراسی فراهم نموده که در آن، حقیقت، ارزش و قدرت نیز همواره می‌توانند به چالش کشیده شوند. اما تلاش برای واداشتن مجدد مرکز به تفسیر اینکه چه چیزی برای مردم حقیقت و خوب است نیز به توتالیتاریسم می‌انجامد. لاکلائو و موفه تنها راه تضمین کثرت‌گرایی در مقابل توتالیتاریسم و نیز امکان ایجاد یک جامعه سیاسی مساوات‌گراتر و فراگیرتر را رادیکال شدن دموکراسی لیبرال می‌دانند (نش، ۱۳۸۹: ۲۸۴).

لاکلائو و موفه، تنها راه نیل به دموکراسی رادیکال (اتوپیای پسامارکسیستی) را استقبال از تعدد و تنوع استراتژی‌های رهایی می‌دانند. از این منظر، هرچند سوسیالیسم کماکان عنصر ضروری دموکراسی رادیکال است، تنها یک عنصر در میان انبوهی از عناصر دیگر است. در واقع در مقابل بازسازی یک جامعه سلسله‌مراتبی، آلترناتیو چپ باید تعیین جایگاه خود در عرصه انقلاب دموکراتیک و گسترش زنجیرهای همگونی میان کانون‌های مختلف مقاومت و مبارزه علیه ظلم و سرکوب باشد. بنابراین وظیفه چپ نمی‌تواند کنار گذاشتن ایدئولوژی لیبرال-دموکراسی باشد، بلکه برعکس، تعمیق و گسترش آن در جهت یک دموکراسی رادیکال و متکثر است (تاجیک، ۱۳۸۳: ۳۲).

شان‌تال موفه، یکی از بنیان‌گذاران فرامارکسیسم، کثرت‌گرایی را به خاتمه یافتن امکان هرگونه اندیشه ذاتی درباره زندگی سیاسی مربوط می‌داند و آن را یکی از ارکان سیاست‌های رادیکال ارزیابی می‌کند. با وجود چنین تلقی‌ای، دیگر تصور وجود فقط یک راه امکان‌پذیر نیست. برای حفظ تفاوت‌ها و جلوگیری از حذف دیگری، بر کثرت‌گرایی در این مدل دموکراسی تأکید

شده است (معینی، ۱۳۸۹: ۱۳۲-۱۳۳). از نظر لاکلاو و موفه، سنت لیبرال دموکراتیک مانند همه جنبه‌های واقعیت اجتماعی، گفتمانی است. اصطلاحات لیبرال دموکراتیک «آزادی» و «برابری»، اصول جوامع مدرن تلقی می‌شوند. اما اینها نشانه هستند و مانند همه نشانه‌ها هیچ مرجع قطعی و ضروری ندارند (اشاره به مبحث نظریه گفتمان). بنابراین از آنها بر اساس کردارهایی که در آن جای گرفته‌اند، به شیوه‌های متفاوتی استفاده شده است. جامعه حول اصول «جهان‌شمول» آزادی و برابری متحد گشته است، اما این اصول، همگونی و نظم ایجاد نمی‌کنند؛ زیرا به همان اندازه که تفاسیر مختلف نشانه‌ها وجود دارد، ما شاهد اشکال متفاوتی از شهروندی هستیم. برای مثال، لاکلاو و موفه از ما می‌خواهند که گفتمان راست جدید را با گفتمان سوسیال دموکرات‌ها مقایسه کنیم. در حالی که از نظر نئولیبرال‌ها، «آزادی» به معنای «عدم دخالت» به‌ویژه درباره حق مالکیت خصوصی است، از نظر سوسیال دموکرات‌ها به معنای ظرفیت مثبت برای تحقق بخشیدن به فرصت‌های زندگی است (نش، ۱۳۸۹: ۲۸۵).

بنابراین طبق نظرات فرامارکسیستی، هیچ مبنای مشترکی وجود ندارد که به یاری آن بتوان به تعارض گفتمان‌ها و اندیشه‌ها خاتمه داد. گفتمان‌ها متعددند و دموکراسی نباید به یکپارچه‌سازی، به بهای حذف گفتمان‌ها بینجامد. موفه و همفکرش ارنستو لاکلاو هیچ عیبی در این موضوع نمی‌بینند و آن را تهدیدی برای نظم سیاسی و اجتماعی تلقی نمی‌کنند. تعارض گفتمان‌ها باید وجود داشته باشد زیرا در غیر این صورت، تفاوت و چندگانگی نبود خواهد شد و سلسله‌مراتب حاکم می‌شود. منشأ این دیدگاه رادیکال جدید را باید در تکرر، عدم تعیین اجتماعی و اقتضایی دیدن امور جست‌وجو کرد. دموکراسی کثرت‌گرای رادیکال موفه و لاکلاو برای خرده روایت‌ها اهمیت زیادی قائل است (معینی، ۱۳۸۹: ۱۳۳). در مجموع می‌توان مزیت گفتمان دموکراسی رادیکال لاکلاو و موفه را اینگونه بیان کرد که غیریت و تکرر موجود در جامعه را در شکل رقابت حفظ می‌کند (منوچهری، ۱۳۸۷: ۱۲۰).

انتقاد از طرح دموکراسی رادیکال لاکلاو و موفه در سه حوزه عمده انجام می‌گیرد. اول اینکه تا حدی عجیب به نظر می‌رسد که لاکلاو و موفه در این باره توجه بسیار اندکی به دولت مبذول داشته‌اند. دولت برای طرح دموکراسی رادیکال آنان بسیار اهمیت دارد، از این جهت که این طرح هم به دموکراسی لیبرال و حاکمیت قانون ارتباط دارد و هم با تأکیدش بر بازتوزیع ثروت به سوسیالیسم مربوط است. اما ترکیب تعهد کثرت‌گرایی اجتماعی و تعهد قوی به برابری مشکل است زیرا نهادهایی که برای ارتقای برابری طرح می‌شوند، معمولاً تکررگرایی اجتماعی را محدود می‌کنند. لاکلاو و موفه تنش دائمی در دموکراسی رادیکال را تأیید می‌کنند، چرا که نهادهای جدید شدن حقوق دموکراتیک، مستلزم سازمان‌دهی جمعی است که همواره در تضاد با استقلال افراد و

گروه‌ها قرار دارد. اما آن دو در مورد اینکه چگونه این تنش باید رفع شود تا به جای دموکراسی لیبرال صرف، به دموکراسی رادیکال برسیم، بحثی به میان نمی‌آورند. دوم اینکه از یک دیدگاه ماتریالیستی استدلال می‌شود که آنان در تحلیل‌هایشان برای فشارهایی که از جانب ساختارها و نهادهای اجتماعی وارد می‌شود، اهمیت کافی قائل نشده‌اند. ساختارگرایی رادیکال آنها موجب می‌شود که نتوانند برای شرایط مادی که در چارچوب آنها مناسبات سیاسی صورت می‌گیرد و تأثیرات مهمی بر موفقیت طرح‌های خاص هژمونیک دارند، اهمیت کافی قائل گردند. به عبارت دیگر، آنها نمی‌توانند توضیح دهند که چرا برخی از مناسبات و ترتیبات مؤثرند و برخی نیستند. سوم اینکه از دیدگاه هابرماسی استدلال می‌شود که یک مدل دموکراسی که در آن «نتیجه» مبتنی بر قدرت باشد، دموکراسی مشروع نیست. مدل دموکراسی لاکلائو و موفه از نوعی است که گاهی اوقات دموکراسی «مشاجره‌ای» نامیده می‌شود. در این مدل این ادعا، جایگاهی محوری دارد که هیچ قطعیت ثابتی وجود ندارد که بتوان بر آن تکیه کرد؛ نه مرجعیت علمی، نه مرجعیت اخلاقی و نه هیچ مرجعیت نهایی که به‌وسیله آن موضوعات مورد منازعه را بتوان حل کرد (نش، ۱۳۸۹: ۲۸۶-۲۸۸). با در نظر گرفتن انتقادات و کاستی‌های نظریه رادیکال دموکراسی لاکلائو و موفه و آنچه تاکنون در فضای سیاسی-اجتماعی جوامع رخ داده است، غیرپراگماتیک بودن این نظریه را در دنیای واقعی نتیجه می‌گیریم؛ نظریه‌ای که تا حد زیادی انتزاعی و آرمانی به نظر می‌رسد.

بخش دوم- دلالت‌ها و پشتوانه‌های اینترنت در شکل‌دهی به رادیکال دموکراسی مجازی

ویژگی‌های فضای مجازی

قبل از به وجود آمدن اینترنت و وب، رؤیای زاندا مطرح بود. در این رؤیا، هر فردی که یک دستگاه رایانه داشت، در هر زمان و مکان دلخواه می‌توانست به تمامی علوم، مستندات، تصاویر، صوت و ویدئو... دست یابد. زاندا، رؤیای «تد نلسون» از یک رایانه خیالی بود. وی دنیایی را که در آن اطلاعات از طریق ابرمتن‌ها و ابررسانه‌ها به صورت یک شبکه تار عنکبوتی به هم متصل و مرتبط می‌شدند، پیش‌بینی کرده بود. در این دنیا اطلاعات به صورت یک کتابخانه جهانی در نظر گرفته می‌شوند. دست‌یابی به این کتابخانه جهانی و استفاده از آن، تأثیر شگرفی در جوامع متفاوت بشری به دنبال داشته و منشأ بروز تحولات عظیم در حیات بشری خواهد بود. زاندا یک رؤیا بود، ولی امروز با واقعیتی به نام وب مواجه هستیم (امیریان، ۱۳۸۶: ۶). وب، بخشی از اینترنت محسوب می‌شود (اینترنت یک شبکه گسترده جهانی از رایانه‌های به هم مرتبط است). وب، یک

سیستم مدیریت بانک اطلاعاتی سرویس دهنده/سرویس گیرنده بوده که از یک ساختار و معماری مشخص برای بازیابی اطلاعات استفاده می‌کند. تمامی مرورگرها^۱ با آگاهی از این معماری می‌توانند به اطلاعات موجود دست یابند. مرورگرها، نرم‌افزارهایی هستند که پس از نصب و بهره‌برداری از آنان، می‌توان از یک سایت اطلاعاتی به سایت دیگر حرکت کرد (همان: ۷). مرورگرهای وب، چند پروتکلی (چند ضابطه‌ای) هستند. یعنی مرورگرها می‌توانند به انواع مختلفی از سرویس‌دهنده‌ها^۲ که بر اساس پروتکل‌های مختلفی ارتباط برقرار می‌کنند، دسترسی داشته باشند (کرناک، ۱۳۷۷: ۱۱).

اولین بار یک برنامه‌نویس انگلیسی به نام «برنرزی»^۳، ایده ترکیب ابررسانه‌ها را در منابع اطلاعاتی اینترنت مطرح کرد. قبل از وب منابع و اقلام اطلاعاتی گوناگونی در اینترنت وجود داشت ولی دستیابی به آنها به سادگی میسر نبود. در سال ۱۹۸۹ زمانی که برنرزی روی یک پروژه فعالیت می‌کرد، مشاهده نمود که دستیابی به اطلاعات مورد نیاز جهت کار همزمان روی پروژه برای افراد، عملیاتی طاقت‌فرسا و مشکل است. وی با بهره‌گیری از تکنولوژی ابرمتن‌ها، شبکه‌ای از مستندات مورد نیاز افراد برای فعالیت در پروژه‌های گوناگون را فراهم آورد. در این حالت ارتباطات متعدد به صفحات مستندات وب، باید با یک قالب خاص نوشته شوند، به گونه‌ای که ابرمتن‌ها بتوانند با یکدیگر کار کنند. این قالب خاص HTML^۴ نامیده شد (امیریان، ۱۳۸۶: ۷). به عبارتی دیگر وب، پتانسیل بالای خود را مدیون دو تکنولوژی مدرن: ابرمتن‌ها^۵ و ابررسانه‌ها^۶ است. ابرمتن خصیصه‌ای است که دسترسی به اطلاعات اضافی را با کلیک روی متن انتخابی یا گرافیکی نمایش داده شده در صفحه امکان‌پذیر می‌سازد. این خصیصه از اجزای مهم و ضروری بیشتر صفحات وب است (مهرداد و کلینی، ۱۳۸۷: ۲۰۶). در ابرمتن‌ها، اطلاعات مرتبط با استفاده از یک روش مدون به هم پیوند زده می‌شوند. با استفاده از ارتباطات تعریف شده بین اطلاعات، می‌توان با هر روش دلخواه و طی یک مسیر خطی و یا غیرخطی به اطلاعات مورد نظر دستیابی دست پیدا کرد.

به هر حال زمانی که مجموعه وسیعی از اطلاعات را با هر روش ممکن ذخیره کنیم، باید روش‌هایی را نیز برای بازیابی و دستیابی به آنان تدوین کرد. در مدل‌های قدیمی برای حرکت از یک صفحه (یک حریم اطلاعاتی) به صفحه دیگر، می‌بایست به صورت خطی حرکت نمود (ابتدا

1. Browser
2. Server
3. Tim Berners-Lee
4. Hyper Text Markup Language
5. Hyper text
6. Hyper Media

صفحه یک و در ادامه صفحه دو و...). در یک ابرمتن با استفاده از اطلاعات تعریف شده می‌توان از یک واژه به واژه دیگر پرش کرد و اطلاعات مربوطه را مشاهده نمود. مثلاً در یک دایره‌المعارف که به صورت ابرمتنی پیاده‌سازی شده است، می‌توان اطلاعاتی را درباره «نیما یوشیج» مشاهده کرد و در همان وضعیت، اطلاعاتی را نیز درباره «یوشیج» زادگاه وی دید. در زمان مشاهده اطلاعات درباره «یوشیج» می‌توان اطلاعاتی را در مورد استان مازندران نیز دریافت کرد (امیریان، ۱۳۸۶: ۶). ابرمتن، کارکرد موفقیت‌آمیزی داشت و در ابتدای دهه ۱۹۸۰ برخی از برنامه‌های کاربردی شبکه از آن استفاده کردند (ناقتن، ۱۹۹۹: ۲۱۸).

ابرمتن، باعث شکل‌گیری رسانه‌ای آرمانی برای سامانه اطلاعاتی جدید برنرزی شد. به دلیل اینکه ابرمتن از روش کار افراد، نه روش کار رایانه‌ها ناشی می‌شد، برنرزی سامانه‌ای را طراحی کرد که در یک زمان هم می‌توانست منطقی و هم فازی باشد. به راحتی می‌شد امکان جابجایی بین اسناد، در یک محیط شبکه‌ای به جابجایی بین رایانه‌های مختلف تبدیل شود. ساختار و زبان آشنای وب، به سرعت پدیدار شد: سرویس‌دهنده‌ها، پایگاه‌ها^۱، موتورهای جست‌وجو^۲ و مانند آنها. وب به طرز چشمگیری رشد کرد: وب در سال ۱۹۹۲ به وجود آمد و هنگامی که مرورگر موزائیک در سال ۱۹۹۲ ظهور کرد، به عنوان یک محیط ارتباطی آرمانی پذیرفته شد و باعث شکل‌گیری آخرین مرحله پیشرفت موشک الکترونیکی برنرزی شد (برنرزی، ۱۹۹۹: ۷۵).

در گذشته اکثر اطلاعاتی که از طریق وب در اختیار استفاده‌کنندگان قرار می‌گرفت، به صورت متن^۳ بود. ولی امروزه با به‌کارگیری امکانات چندرسانه‌ای^۴ نظیر صوت، گرافیک، انیمیشن انیمیشن و تصویر می‌توان اطلاعات را با اشکال متفاوت روی سایت‌های اطلاعاتی مشاهده کرد (اشاره به خصلت ابرشبکه‌ای اینترنت). مثلاً می‌توان یک سایت اطلاعاتی از فیلم‌های ویدئویی ایجاد کرد و علاقه‌مندان، از طریق وب می‌توانند به فیلم مورد علاقه دست یابند (امیریان، ۱۳۸۶: ۶). به بیان دیگر، اطلاعاتی که از طریق وب روی اینترنت قرار می‌گیرد، می‌تواند شامل متن، صدا، تصویر و فیلم باشد. این عناصر با پیوندهایی که با استفاده از ویژگی زبان علامت‌گذاری ابرمتن (HTML) در آنها ایجاد می‌شود، با یکدیگر مرتبط شده و کاربر را به وسیله اشاره‌گرها^۵ از اطلاعاتی به اطلاع دیگر راهنمایی می‌کند. کاربر با توجه به علاقه خود از اشاره‌گرهای موجود در متن برای یافتن صفحه مورد نظر استفاده می‌کند و یا ممکن است برای یافتن آن اطلاعات به نشانی دیگر در سیستم هدایت شود. هر عنصری که در صفحه وب وجود دارد مانند متن، صدا،

1. Databases
2. Search Engines
3. Text
4. Multimedia
5. Pointers

تصویر، فیلم، آدرس‌ها و پست الکترونیکی، قابلیت پیوند با منابع اطلاعاتی یا اشاره‌گرهای دیگر را دارند (داوسون، ۱۹۹۷: ۴۶). بدین ترتیب اینترنت یک کانال توزیع و ارتباط جهانی خودکار است که اجازه می‌دهد محتوای رسانه‌های جمعی سنتی به طرق جدید مستقیماً به شکل دیجیتالی در خانه‌ها منتشر شده و انواع نوین محتوا، بدون واسطه از تولید به مصرف برسد (کونگ، ۱۳۸۹: ۱۵۵). علاوه بر دو ویژگی منحصر به فرد اینترنت که گفته شد یعنی ابرمتنی و ابرشبکه‌ای بودن آن، اینترنت ویژگی منحصر به فرد سومی نیز دارد و آن این است که اینترنت در مقایسه با دیگر وسایل ارتباط جمعی همچون رادیو و تلویزیون، ویژگی تعاملی بودن یا کنش متقابل^۱ دارد. در واقع آنچه اینترنت را از سایر رسانه‌ها متمایز می‌کند، خاصیت تعاملی آن است. اینترنت امکان تبادل نظر را به صورت آنلاین و لحظه‌ای فراهم می‌کند و این اجازه را به مخاطب می‌دهد تا بتواند با رعایت برخی استانداردهای خاص و ساده ارتباط مؤثر برقرار کند (پیشگاه‌زاده، ۱۳۸۸: ۱۹). اینترنت بین افرادی ارتباط برقرار می‌کند که قبلاً همدیگر را ندیده‌اند؛ مردمی از سراسر دنیا که به این طریق فرصت مکالمه با یکدیگر را به دست می‌آورند و می‌توانند بدون محدودیت‌های قومی، ملی، طبقاتی، مذهبی، جنسی و... با یکدیگر رابطه برقرار کنند. از این طریق امکان ایجاد جماعتی جهانی فراهم می‌شود (نیک‌بخش، ۱۳۸۳: ۲۱).

به طور کلی شبکه‌های اجتماعی مجازی محصول فناوری وب دو هستند. وب دو به آن دسته از فناوری‌هایی اطلاق می‌شود که امکان مشارکت کاربر در تولید محتوا و به اشتراک‌گذاری اطلاعات شامل: متن، عکس، فیلم، پیوند، فایل و هر گونه داده دیگر را فراهم می‌آورد. فناوری‌های وب دو امکان تعامل گسترده میان کاربران اینترنت و تبادل سریع و گسترده اطلاعات میان آنها را فراهم می‌آورند. وب دو، دنیای کندهای کاربران در محیط‌های مجازی است و شبکه‌های اجتماعی مجازی بخشی از فناوری‌های وب دو هستند که درون آنها، تعاملات کاربران و امکان ایجاد حلقه‌های دوستی، گروه‌های رأی‌دهی، ارتباطات افقی و سفارشی شدن صفحات وب فراهم می‌شود (ضیایی‌پور و عقیلی، ۱۳۸۸: ۲۴). به عنوان مثال تلویزیون تنها یک جاده یک طرفه است که داده‌ها را به سوی مخاطب می‌فرستد اما در شبکه جهانی اینترنت، این موضوع متفاوت خواهد بود. یعنی هر دستگاه رایانه که به شبکه جهانی متصل می‌شود، از یک سو گیرنده و از دیگر سو فرستنده است. کسی که یک رایانه با لوازم جانبی همچون دوربین و اسکنر و عکس و... دارد، می‌تواند برای خودش در اینترنت یک صفحه وب طراحی کند و برنامه و تبلیغ خود را عرضه کند. صفحه اینترنتی من در واقع یک «من» دیگر است و یا یک «من دوم» است و در برخی مواقع نیز هویتی جدید از من است. هویتی که تاکنون هم برای خودم و هم برای دیگران پنهان

بوده است.

ویژگی چهارم اینترنت که از لحاظ سیاسی مهم جلوه می‌نماید، تمرکززدایی قدرت درون آن است که این تمرکززدایی به واسطهٔ ویژگی امکان دستیابی به هویت مجازی و ناشناس در این فضا و همچنین ویژگی غیر انحصاری بودن امکانات تخصصی و فنی اینترنت تحقق‌پذیر است. اهمیت دستیابی به هویت مجازی را دیوید هولمز جامعه‌شناس، بدین صورت بیان می‌دارد که: از بین تحولات بی‌شمار فناورانه و فرهنگی که امروزه در حال ائتفاق افتادن است، یکی از آنها شاید محسوس‌ترین فرصت را برای فهم معمای حل ناشدنی سیاسی و اخلاقی جامعهٔ معاصر ایجاد کرده است. آمدن واقعیت مجازی و ارتباطات مجازی، هر دو به عنوان استعاره‌هایی برای فرآیندهای فرهنگی وسیع‌تر و به عنوان مفاهیم مادی‌ای است که شروع به قاب کردن جسم انسان و ارتباطات انسان کرده‌اند (هولمز، ۱۹۹۷: ۱). جان پری بارلو^۱ بیان می‌دارد که قلمرو الکترونیک دنیایی است که همه جا هست و هیچ جا نیست. اما حتماً آن جایی نیست که بدن‌هایمان هستند (دریفوس، ۱۳۸۹: ۷). به بیان دیگر، تمرکز تیم برنرزی صرف نظر از نوع نرم‌افزار، سخت‌افزار، زیرساخت‌های شبکه، زبان، فرهنگ، جغرافیا و یا ناتوانایی‌های ذهنی و جسمی به قابلیت دسترسی در سطح جهانی بود (ر.ک: پریس، ۲۰۰۵).

پس می‌توان گفت که مفهوم دسترس‌پذیری در قلب اینترنت قرار دارد. این دسترس‌پذیری با کاتالیزوری به نام امکان دستیابی به هویت ناشناس و مجازی تسهیل می‌گردد، همانگونه که مارک پاستر در کتاب عصر دوم رسانه‌ها بیان می‌دارد: غریبه‌ها در اینجا بدون حضور جسم یا صدایی بیگانه، فقط از طریق نشانه‌هایی که از یکی به دیگری انتقال می‌یابد با یکدیگر ارتباط برقرار می‌کنند. از آن گذشته، در این صحنه‌ها نمایش اخبار، نام‌های مستعار یا القاب نیز به کار برده می‌شود، افراد از نام خود استفاده نمی‌کنند و می‌توانند به آسانی هر یک از خصوصیات خود را پنهان دارند (پاستر، ۱۳۷۷: ۱۲۳). این امکان گمنام ماندن از یک طرف امکانات استفاده‌های آبرومندانه و غیر آبرومندانه را از شبکه فراهم می‌کند و از طرف دیگر امکان بیان آزاد و انتشار نظرات را به گونه‌ای فراهم می‌سازد که در عرصه‌های دنیای واقعی، بیان آنها بسیار مشکل خواهد بود. به عنوان مثال این ساختار، یافتن و مجازات کردن مخالفین را برای نیروهای امنیتی مشکل‌تر می‌سازد (ناقتن، ۲۰۰۱: ۷).

علاوه بر ویژگی امکان دستیابی به هویت مجازی، ویژگی غیر انحصاری بودن امکانات تخصصی و فنی اینترنت نیز تضمین‌کنندهٔ تحقق ویژگی تمرکززدایی قدرت رسانه‌های اینترنت است. به خاطر این ویژگی است که از هر گونه محدودیتی از سوی گفتمان مسلط درون اینترنت

می‌توان عبور کرد. در ادامه برای فهم بهتر به چند نمونه از تلاش‌هایی اشاره می‌شود که گفتمان‌های حاشیه‌نشین برای دور زدن موانع اتخاذ شده از سوی گفتمان کمونیستی حاکم بر چین برای نظارت بر اینترنت و اعمال سانسور انجام داده است.

ویژگی‌های منحصر به فرد اینترنت که به آنها اشاره گردید باعث افزایش ضریب نفوذ اینترنت در میان شهروندان جهان شده است. برای پی بردن به این موضوع کافی است به ضریب نفوذ آن پس از ابداع توجه شود. پس از ابداع هر فناوری، مدتی طول می‌کشد تا فناوری مورد نظر در مقیاس عمومی استفاده شود (ضریب نفوذ). مثلاً تلفن پس از ۷۴ سال، رادیو پس از ۳۸ سال، رایانه‌های شخصی پس از ۱۶ سال، تلویزیون پس از ۱۳ سال و وب پس از ۴ سال، موفق به جذب پنجاه میلیون استفاده‌کننده شده است (نبوی و فتاحی، ۱۳۸۶: ۶۶)؛ به دیگر سخن، از ۱۹۴۵ به این سو، قیمت هر رایانه جدید هر ساله ۱۹ درصد کمتر شده و سرمایه‌گذاری در فناوری‌های اطلاعات از ۷ درصد به حدود ۵۰ درصد سر زده است. به موجب قانون مور^۱ که سه دهه صادق بوده است، هر هجده ماه یک‌بار ظرفیت تراشه‌ها دو برابر می‌شود. به همینسان اینترنت و شبکه جهان‌گستر نیز رشدی نمایی و سرسام‌آور داشته است. اینترنت فقط از سال ۱۹۹۰ به روی عموم مردم گشوده شد. پهنای باند ارتباطات به سرعت در حال گسترده‌تر شدن و هزینه‌های ارتباطات پیوسته رو به کاهش است (روزنا و دیگران، ۱۳۹۰: ۳۶۲). به طوری که امروزه اینترنت یک نقطه تلاقی عمومی است که در آن میلیون‌ها نفر از بیش از ۱۵۵ کشور جهان با هم در رابطه هستند. در حال حاضر، اینترنت متشکل از چندین میلیون شبکه مختلف است (عباسی‌قادی و کاشانی، ۱۳۹۰: ۶۱). همه این عوامل نشان‌دهنده افزایش تصاعدی ضریب نفوذ اینترنت در بین شهروندان جهان است.

در تحلیل نهایی، اینترنت به عنوان یک رسانه پست مدرن، تداعی‌گر مرگ فاصله‌ها در جغرافیای ذهنی است. انسان امروز بر مکان و زمان غلبه یافته است، صداهایی که شنیده نمی‌شدند حالا شنیده می‌شوند و آن تمرکزگرایی شدید در رسانه‌های حاکم سنتی با تمرکززدایی شدیدتری در رسانه‌های دیجیتالی و پست مدرن به چالش کشیده شده است (مرادی و دیگران، ۱۳۸۹: ۱۲۳). با توجه به خصوصیات منحصر به فرد اینترنت یعنی خصوصیات ابرمتنی، ابرشبکه‌ای (پویایی و جامعیت آن)، کنش تعاملی، تمرکززدایی قدرت رسانه‌ای و امکان دستیابی به هویت مجازی درون اینترنت، می‌توان با اطمینان از با اهمیت بودن اینترنت نسبت به سایر رسانه‌ها سخن به میان آورد.

رقابت برابر تکثرها، غیریت‌ها و گفتمان‌ها درون فضای مجازی

همانگونه که در چارچوب نظری توضیح داده شد، رادیکال دموکراسی لاکلائو و موفه در تحلیل نهایی، غیر پراگماتیک جلوه می‌نماید؛ چرا که متحد گشتن جامعه حول اصول جهان‌شمول آزادی و برابری مدنظر لاکلائو و موفه انتزاعی و آرمانی است. اما آزادی و برابری که لاکلائو و موفه در نظر دارند، درون فضای مجازی تا حد زیادی عملی است. این امر ناشی از ویژگی‌های فضای مجازی است که هیچگونه تمرکزگرایی قدرت رسانه‌ای را بر نمی‌تابد. در نتیجه غیریت، تکثر، رقابت، آزادی و برابری که لاکلائو و موفه در دموکراسی رادیکال خود حصول به آنها را ارائه می‌کند، در فضای مجازی تا حد زیادی امکان‌پذیر است. از اینرو نگارندگان از آن با عنوان رادیکال دموکراسی مجازی یاد می‌کنند. رادیکال دموکراسی‌ای که مدیون ویژگی‌های اینترنت و فضای مجازی است.

به عبارت دیگر فضای مجازی، فضایی است که گفتمان‌ها می‌توانند مسائل سیاسی را که در مخالفت با گفتمان مسلط باشد، به روشنی بیان کنند. دریفوس معتقد است وقتی وارد فضای سایبر می‌شویم، از خویشتن‌های حیوانی، احساسی، شهودی، مکانمند، آسیب‌پذیر و جسم‌دارمان می‌گذریم و با این کار آزادی فوق‌العاده‌ای به دست می‌آوریم که پیش از این هرگز در دسترس بشر نبود (دریفوس، ۱۳۸۹: ۱۰).

میشل فوکو فیلسوف نامدار قرن بیستم درباره فناوری‌های قدرت^۱ می‌نویسد: وسایلی که توسط آن ایدئولوژی‌های غالب خود را نمایان می‌کند (مانند روزنامه‌ها و تلویزیون) و از تکنولوژی‌های خود^۲ به عنوان ابزاری یاد می‌کند که توسط آن افراد خود را آشکار می‌سازند؛ یعنی روش‌هایی مانند نامه‌نویسی و حفظ خاطرات که با آن از وجود در جهان خود می‌گویند. به اعتقاد محقق ارتباطی، دانیل چندلر^۳، اینترنت و به‌ویژه شبکه‌ها، تکنولوژی‌های قدرتمند خود هستند که فرصت‌هایی را برای ساختار هویت امکان‌پذیر می‌سازند. او چنین بیان می‌کند: تکنولوژی‌های خود، به ما امکان می‌دهد که نه تنها درباره هویت خود فکر کنیم و روش اندیشیدن به خود را تغییر دهیم، بلکه خود را به آنچه که دوست داریم تغییر دهیم (ترلو و همکاران، ۱۳۹۰: ۱۶۳). شما می‌توانید هر کسی که می‌خواهید باشید. می‌توانید اگر بخواهید کاملاً خود را باز تعریف کنید. شما نگران مرتبه‌ای که افراد شما را قرار می‌دهند، نیستید. آنها به بدن شما نگاه نمی‌کنند، تنها کلمات شماست (ترکل، ۱۹۹۵: ۱۸۴). کلماتی که بازگوکننده گفتمان شماست که برای اولین بار مجال پژواک را درون اینترنت یافته‌اند. در واقع اینترنت در تاریخ

1. Technologies of power
2. Technologies of self
3. Daniel Chandler

تکنولوژی‌های ارتباطی، منحصر به فرد است زیرا به خرده‌گفتمان‌ها و به حاشیه‌رانده شده‌ها، توانایی برقراری ارتباط با افرادی گسترده را به طریقی می‌دهد که در گذشته تنها برای گفتمان‌های مسلط امکان‌پذیر بود. به عبارت دیگر در جهان اینترنت مخاطبان فردی همزمان در معرض ده‌ها هزار پیام مختلف قرار می‌گیرند؛ درست در نقطه مقابل روزهای خوش سیطره تلویزیون که میلیون‌ها نفر همزمان شاهد نمایش یکی از سریال‌ها و برنامه‌ها بودند (بنت و انتن، ۱۳۸۹: ۲۷). این همان روح رقابت برابر است که لاکلائو و موفه از آن دم می‌زدند و درون اینترنت تا اندازه بسیار زیادی دست‌یافتنی است.

به دیگر سخن، ویژگی‌های فضای مجازی که در بخش قبل به آنها اشاره شد، هر کدام به نحوی در شکل‌گیری رادیکال دموکراسی مجازی مؤثرند. بدین صورت که در مرحله اول ویژگی تمرکززدایی قدرت رسانه‌ای، این امکان را به غیریت‌ها، گفتمان‌ها و تکثرهای موجود در جامعه می‌دهد که در قالب هویت مجازی به انتشار گزاره‌های گفتمانی خود بپردازند؛ به طوری که به تعبیر لازارسفلد و مرتن، بسیاری تحت تأثیر همه جایی بودن ارتباطات جمعی و قدرت بالقوه آنان به سختی هراسان شده‌اند (رزاقی، ۱۳۸۵: ۱۸۵)؛ هراسی که ناشی از توانایی‌ای است که اینترنت در اختیار گفتمان‌ها و خرده‌گفتمان‌ها قرار می‌دهد تا:

الف- اطلاعات مناسب را برای گفتمان‌هایشان بی‌درنگ از سراسر جهان به دست آورند.

ب- اطلاعات را بی‌درنگ، بدون واسطه و با ابزارهای رمزگذاری و بر اساس اصول امنیتی به مخاطبان گسترده‌ای در سراسر جهان منتقل کنند.
بدین ترتیب، نتایج منطقی‌ای که این تمرکززدایی قدرت می‌تواند برای گفتمان مسلط در پی داشته باشد را می‌توان به شرح زیر خلاصه کرد:

الف- درون اینترنت می‌توان دست به اقدامی زد که قدرت گفتمان مسلط را تضعیف کند یا محل نظم شود.

ب- اینترنت می‌تواند حمله به مراجع قدرت را ممکن نماید و بدین صورت مطیع یا تابع قدرت مستقر نباشد.

ج- اینترنت می‌تواند از توهین به اکثریت یا ارزش‌های غالب اخلاقی و سیاسی نپرهیزد.

د- اینترنت می‌تواند سانسور را برای به اجرا در آوردن اصول گفتمان مسلط برنتابد.

چنین توانایی‌های اینترنت که مقدمه شکل‌گیری رادیکال دموکراسی مجازی را مهیا می‌کند و محصول ویژگی تمرکززدایی قدرت درون اینترنت است، همانگونه که بیان شد به واسطه ویژگی امکان دست‌یابی به هویت مجازی و ناشناس و ویژگی امکانات تخصصی و فنی غیر انحصاری اینترنت تضمین می‌گردد. ترکل درباره امکان دست‌یابی به هویت مجازی درون اینترنت بیان می‌دارد که درون فضای مجازی با افراد روبه‌رو نیستیم بلکه مطابق عنوانی که وی برای

کتاب خویش برگزیده است با «زندگی بر صفحه کامپیوتر» و نوشته‌هایی روبه‌رو هستیم که میان افراد رد و بدل می‌شود. به بیان دقیق‌تر این نوشته‌ها و پیام‌های گفتمان افراد است که درون فضای مجازی مجال حضور پیدا می‌کند. بدین ترتیب افرادی که در گفتمان‌های مختلف حضور دارند از خصیصه «گمنام بودن» برخوردارند و این گمنامی، به آنان آزادی بیشتری می‌دهد. فرد با استفاده از این ویژگی‌ها و با توسعه هویت‌های خود، به کسب تجربی می‌پردازد که در زندگی واقعی امکان تجربه کردن آنها برایش فراهم نیست. بنابراین آزادی برآمده از گمنامی تعاملات اینترنتی می‌تواند به شناخت گفتمان‌های جدید و یا ابعاد ناشناخته و گاه پنهان گفتمان‌ها منتهی گردد، بدون آنکه گفتمان‌های مسلط توانایی شناسایی و برخورد با افراد درون پادگفتمان‌هایشان را درون فضای واقعی داشته باشند.

همانگونه که بیان شد، تمرکززدایی قدرت رسانه‌ای اینترنت که محصول منطقی آن دستیابی به رادیکال دموکراسی مجازی است، علاوه بر ویژگی امکان دستیابی به هویت مجازی، نیاز به تضمین‌کننده دیگری نیز دارد و آن غیر انحصاری بودن قابلیت فنی و زیرساخت تکنولوژیکی اینترنت است. به بیان دیگر، رقابت تکرها و گفتمان‌ها را که نتیجه منطقی ویژگی تمرکززدایی قدرت درون اینترنت است، نمی‌توان برای همیشه محدود کرد و از هر گونه محدودیتی به دلیل پشتوانه غیر انحصاری قابلیت فنی و زیرساخت تکنولوژیکی اینترنت می‌توان عبور نمود.

بنابراین در عصری که هر ساله حجم دانش بشری چندین برابر می‌شود، نمی‌توان محدودیتی فنی درون فضایی غیر انحصاری ایجاد کرد که بقایای ضمانت شده داشته باشد. به عنوان مثال، گفتمان کمونیستی حاکم بر چین، نظارت گسترده‌ای بر محتوای اطلاعات سیاسی صورت می‌دهد و کنترل جدی بر عقاید و اندیشه‌های متضاد با حکومت کمونیستی چین در وب حاکم است و به این منظور گفتمان حاکم کمونیست از روش‌ها و ابزارهایی برای نظارت بر اینترنت و اعمال سانسور در فضای مجازی استفاده می‌کند. اما سایر گفتمان‌ها همواره تلاش‌های فنی برای در هم شکستن موانع انجام می‌دهند تا از این طریق بتوانند گزاره‌هایشان را در این فضا منتشر سازند. لذا داشتن تخصص‌های کافی در زمینه شبکه و وب، برای گفتمان‌ها شرط اساسی تحقق رادیکال دموکراسی مجازی و بهره‌برداری بهینه از ویژگی تمرکززدایی قدرت درون اینترنت است. این شرط زمانی ضروری می‌نماید که گفتمان مسلط، دسترسی آزادانه به اطلاعات درون اینترنت را محدود کند.

برای فهم بهتر به چند نمونه از تلاش‌هایی که گفتمان کمونیستی چین برای دور زدن موانع

اتخاذ شده جهت نظارت بر اینترنت و اعمال سانسور انجام داده، اشاره می‌شود. اولین تلاش‌ها مربوط به اعضای «کنسرسیوم جهانی اینترنت آزاد» است که عمدتاً در ایالات متحده مستقرند. سامانه‌ی مقابله با فیلترینگ کنسرسیوم اینگونه کار می‌کند: سامانه‌های دولتی سانسور نظیر «دیوار آتش بزرگ» قادرند دسترسی به IP^۱ خاصی را روی اینترنت مسدود کنند. این IP معادل شماره‌های تلفن هستند و از چهار دسته عدد تشکیل می‌شوند که معرف یک وبسایت است. به عنوان مثال IP سایت google.com به صورت ۲۰۹/۸۵/۱۷۱/۱۰۰ است. شخصی در چین که می‌خواهد به یک سایت مسدود شده دسترسی پیدا کند، با کلیک روی لینکی که کنسرسیوم با ایمیل ارسال کرده، قادر خواهد بود نرم‌افزاری را دانلود کند که به کامپیوتر دیگری در خارج از کشور متصل شده و سپس درخواست کاربر را به سمت آدرس ممنوعه تغییر مسیر می‌دهد. اما سامانه‌های دولتی با بهره‌گیری از فن‌های روزآمد و پیشرفته، چنین مسیرهای جایگزینی را شکار کرده و از کار می‌اندازند. بنابراین نرم‌افزار دائماً نشانی اینترنتی کامپیوتر راه دور را تغییر می‌دهد (بیش از ثانیه‌ای یک بار). بنابراین زمانی که سانسورچی‌ها آدرسی را پیدا کنند، سیستم قبلاً آن را تغییر داده است.

دومین تلاش مربوط به زمانی بود که سرویس‌های بلاگ رایگان نظیر worldpress.com و Blogger متناوباً مسدود شدند. بلاگرها و وب‌مسترها در چین برای راه‌اندازی سرویس‌های میزبان^۲ با قیمت‌های متنوع به مذاکره نشستند. حتی برخی از سرویس‌هایی که در چین مستقر بودند، پیشنهاد تغییر آدرس IP بلاگ‌ها را در ۳۰ دقیقه در صورت غیر قابل دسترس شدن آنها دادند. تلاش سوم، ایجاد پروژه نرم‌افزاری سایفون^۳ بود؛ پروژه‌ای که در دانشگاه سیتیزن لب^۴ تورنتو، با نظارت مستقیم پروفیسور رونالد دیبرت^۵ مدیریت دانشگاه طراحی شده است. سایفون یک فناوری گیرانداز^۶ است که از طریق شبکه‌های اجتماعی عمل می‌کند و به کاربران اینترنت این امکان را می‌دهد تا سیستم فیلترگذاری را دور بزنند و به اطلاعات دسترسی پیدا کنند. بنابراین کاربران چینی امکان دسترسی به سایت‌هایی نظیر ویکی‌پدیا، دایره‌المعارف‌های برخط^۷ و دیگر اطلاعات و منابع خبری را پیدا کردند (شهیدی و اسماعیلی، ۱۳۹۰: ۹).

بدین ترتیب چنین تلاش‌هایی تا امروز ادامه داشته و گفتمان مسلط کمونیستی نمی‌تواند

1. Internet protocol
2. Hosting
3. Psiphon
4. Citizen Lab
5. Ronald Deibert
6. Circumvention
7. online

مانع چنین تلاش‌هایی شود. در نتیجه، این متخصصان شبکه‌ای هستند که با کشف و استفاده حداکثری از امکانات بالقوه اینترنت، مسیر شکل‌گیری رادیکال دموکراسی مجازی را در جایی که گفتمان مسلط مانع انتشار آزادانه اطلاعات می‌شود، هموار می‌سازند. بنابراین به نظر می‌رسد تنها راه چنین گفتمان‌های مسلطی برای فرار از این تمرکززدایی قدرت درون اینترنت و به تبع آن رادیکال دموکراسی مجازی، قطع اینترنت است.

در دومین گام، ویژگی ابرمتنی و ابرشبکه‌ای به ویژگی تمرکززدایی قدرت رسانه‌ای اضافه شده و نیز باعث ارائه امکاناتی به غیریت‌ها و پادگفتمان‌ها می‌شود که فضای مجازی به گفتمان مسلط برای انتشار گزاره‌هایش می‌دهد (نظیر وب‌سایت، وبلاگ و...). به عبارت دیگر، ارتباط دینامیکی میان یک مدارک و سایر مدارک و تصاویری که در همان رایانه یا رایانه‌های راه دور دیگر ذخیره شده‌اند، به کاربران امکان استفاده از دایره‌المعارف جامع و به‌روزی را می‌دهد؛ دایره‌المعارفی که حاوی گزاره‌های گفتمان‌های مختلف است.

در کنار ویژگی ابرمتنی، ویژگی ابرشبکه‌ای، کیفیت انتشار گزاره‌های گفتمان‌ها را ارتقا می‌دهد. به عبارت دیگر ابرشبکه‌ای به گفتمان‌ها این امکان را می‌دهد که برای ارائه پیام خود، از طریق چند رسانه در کنار یکدیگر بهره‌گیرند که این رسانه‌ها می‌توانند حاوی داده‌هایی مانند متن، صدا، گرافیک، انیمیشن، تصویر و غیره باشند.

در نهایت، ویژگی کنش تعاملی، فرصتی برابر برای ارتباط با گستره وسیعی از افراد در اختیار گفتمان‌ها قرار خواهد داد تا به اقناع و اشباع‌کنندگی افکار عمومی بپردازند. به عبارت دیگر افراد درون اینترنت، در یک کنش متقابل یا تعامل با یکدیگر هستند. بنابراین مکمل یکدیگر و وابسته به هم می‌باشند. در نتیجه، گفتمان‌هایی که به صورت مادی در قالبی اجتماعی- فرهنگی نمی‌توانند فضایی تعاملی ایجاد کنند و یا در تولید و ساخت آن با مشکل مواجه‌اند، درون اینترنت از طریق پست الکترونیک، بحث جمعی یا کنفرانس الکترونیک، ارتباط از راه دور، انتقال فایل (پرونده)، سرویس گروه‌های تخصصی و سرویس خبری، به فضای تعاملی جامع و فراگیری دست پیدا می‌کنند. به طوری که شان ویلبر، جامعه مجازی را تجربه مشارکت در فضای ارتباطات با دیگرانی می‌داند که دیده نمی‌شوند. وی جامعه مجازی را به جمعیتی تشبیه می‌کند که در مورد موضوعی پدید می‌آیند و به مشارکت می‌پردازند (تاجیک، ۱۳۸۵: ۷۱) و به واسطه چنین مشارکت و کنش تعاملی‌ای، گفتمان‌ها درون اینترنت حتی می‌توانند به راحتی میدان نبرد را به وسعت ذهن تمام مخاطبان گسترش دهند (مرادی، ۱۳۸۹: ۴۰۱) و بدین ترتیب افکار عمومی را به سمت خود جلب کنند.

در واپسین تحلیل، در پارادایم اطلاعاتی اینترنت، رادیکال دموکراسی مجازی به یمن ویژگی‌های منحصر به فرد اینترنت پدیدار شده است. در این رادیکال دموکراسی، مجاز واقعی،

نظامی است که در آن، خود واقعیت یک‌سره در انگاره‌سازی مجازی و در جهانی خیالی و گفتمانی فرو رفته است که در آن، نمادها تنها استعاره نیستند، بلکه تجربه واقعی را تشکیل می‌دهند. در این نظام، از سویی کارکردها و ارزش‌های مسلط در جامعه به طور همزمان در جریان اطلاعات سازمان‌دهی می‌شوند و از سویی دیگر، ارزش‌ها و منافع مسلط بدون ارجاع به گذشته یا آینده‌شان در چشم‌انداز بی‌زمان شبکه‌های رایانه‌ای و رسانه‌های الکترونیکی ساخته می‌شوند. همه بیان‌ها از همه زمان‌ها و از همه مکان‌ها در یک ابرمتن در هم می‌آمیزند و بسته به منافع فرستنده و روحیه گیرنده، پیوسته در هر زمان و هر مکان آرایش مجدد می‌یابند. این فضای مجازی و عالم فراواقعی، واقعیت انسان پست‌مدرن می‌شود؛ زیرا در چارچوب این نظام‌های نمادین بی‌زمان و بی‌مکان است که مقوله‌ها ساخته می‌شوند و تصویرهایی پخش می‌شوند که رفتار را شکل می‌دهند، سیاست را ایجاد می‌کنند، رؤیایا را بارور می‌سازند، کابوس‌ها را دامن می‌زنند (حسنی، ۱۳۸۵: ۱۴۶) و امکان اقناع‌کنندگی را برای گفتمان‌ها فراهم می‌سازند.

بنابراین گفتمان‌ها درون اینترنت، زیر تاراج شبکه‌های جهانی اطلاعات و نبرد نوین گفتمانی، پتانسیل از دست دادن بخش بزرگی از حاکمیت و استقلال خود را دارند. مبانی هویت‌ساز و سرچشمه‌های مشروعیت، مورد تردید و تشکیک قرار می‌گیرد و روابط میان فرد فرد شهروندان و گفتمان‌ها به طور چشمگیری دست‌خوش تحول می‌شود. در چنین عصر اطلاعاتی، حقیقتاً توان‌گری اطلاعات^۱، گفتمانی را مسلط می‌کند و فقر اطلاعات^۲، گفتمانی را به حاشیه می‌کشد.

به عبارت دیگر مفاهیم برساخته گفتمانی در نبرد گفتمانی درون نظام رادیکال دموکراسی مجازی نمی‌توانند به صورت یک اثر مقدس، یک شیء موزه‌ای و چیزی که یک پرستشگر از خاک بیرون می‌آورد و در معرض نمایش می‌گذارد، نگریسته شوند و گفتمان‌هایی که نتوانند به واسطه نبرد گفتمانی نوین، درون رادیکال دموکراسی مجازی رشد کنند و مسلط شوند، محکوم به حاشیه‌نشینی می‌گردند. به دیگر سخن، چنین گفتمان‌هایی در مدیریت نوین افکار که ناشی از به کار گرفتن اطلاعات، تصویرهای ذهنی، آموزش و تکنولوژی درون اینترنت است، نمی‌توانند نظم حاکم بر جامعه را شکل دهند. در نتیجه با توجه به آنچه بیان شد و با در نظر گرفتن نظریه رادیکال دموکراسی و همنشینی ویژگی‌های اینترنت در کنار هم، دیدیم که امکان ایجاد رقابتی کامل و فراگیر درون اینترنت برای گفتمان‌ها فراهم خواهد شد؛ رقابتی را که لاکلاو و موفه در رادیکال دموکراسی خود جست‌وجو می‌کردند.

1. information rich
2. information poor

نتیجه‌گیری

همانگونه که فرانسیس بیکن چهارصد سال پیش نوشت، اطلاعات قدرت است. بی‌گمان انقلاب ارتباطات و ظهور اینترنت نتایج سیاسی عمیقی داشته است چرا که انتشار اطلاعات را از حالت انحصاری گفتمان مسلط که در رسانه‌های پیشین شاهد آن بودیم، خارج نموده و زمینه شکل‌گیری رادیکال دموکراسی منحصر به فردی را فراهم کرده است. در این مقاله، در پی به کارگیری نظریه رادیکال دموکراسی لاکلاو و موفه درون فضای مجازی بودیم. به عبارت دیگر، در پی اثبات فرضیه‌ای به نام رادیکال دموکراسی مجازی بودیم، رادیکال دموکراسی‌ای که درون فضای مجازی به طور قابل قبولی محقق شده است. همنشینی ویژگی‌های فضای مجازی در کنار هم باعث شده که غیریت و تکثر گفتمان‌ها در قالب رقابت حفظ گردد، رقابتی که به خاطر ویژگی تمرکززدایی قدرت رسانه‌ای اینترنت، نمی‌توان آن را برای همیشه محدود کرد و از هر گونه محدودیتی به دلیل پشتوانه غیر انحصاری قابلیت فنی و زیرساخت تکنولوژیکی اینترنت می‌توان عبور نمود.

همانگونه که بل یکی از ویژگی‌های جامعه اطلاعاتی جدید را کدگذاری دانش نظری برای ابداع و اختراع در فن‌آوری می‌داند و همچنین ویژگی قابلیت دست‌یابی به هویت مجازی، باعث شناسایی نشدن و به تبع آن عدم برخورد گفتمان مسلط با افراد درون پادگفتمان‌هایش در فضای واقعی می‌گردد. علاوه بر این ویژگی‌های ابرمتنی، ابرشبکه‌ای و کنش تعاملی، کیفیت و کمیت اطلاعات و ارتباطات را درون فضای مجازی تا حد بسیار بالایی ارتقا می‌دهند. به دیگر سخن، ویژگی‌های ابرمتنی و ابرشبکه‌ای به عنوان روشی برای رهایی از اعمال نظر متخصصانی استفاده می‌شود که بانک‌های اطلاعاتی را برای ما سازمان‌دهی می‌کنند و برای ما تصمیم می‌گیرند که چه چیز به چه چیز مربوط است. این دو ویژگی، امکانات بی‌بدیلی را برای گفتمان‌ها در جهت انتشار گزاره‌هایشان فراهم می‌آورد، امکاناتی که در سایر رسانه‌های در انحصار گفتمان مسلط شاهد آنها نیستیم. از طرفی ویژگی کنش تعاملی باعث استفاده حداکثری از امکانات ابرمتنی و ابرشبکه‌ای برای گفتمان‌ها جهت اقناع و اشباع‌کنندگی افکار عمومی می‌شود.

به تعبیر پرلمان، ما امروزه تکنولوژی‌ای داریم که کاری می‌کند که هر فردی که در یادگرفتن معلولیت عمده‌ای ندارد، هر چیزی را در بهترین سطح از هر کجا و در هر زمانی یاد بگیرد. بدین ترتیب با همنشینی این ویژگی‌ها در کنار هم شاهد رقابت چشمگیر غیریت‌ها و گفتمان‌ها هستیم؛ به طوری که می‌توان گفت رادیکال دموکراسی لاکلاو و موفه درون فضای مجازی عملی خواهد شد.

پی‌نوشت

۱- نژاد ساختگی و خیالی از ارگانیسم‌های سایبرنتیک، که در مجموعه تلویزیونی Stat Trek : The Next Generation نقش مهمی به عنوان تهدیدی برای فدراسیون متحد سیاره‌ها دارد.

منابع

- امیریان، غلامرضا (۱۳۸۶) کتاب الکترونیکی اینترنت و شبکه، جلد دوم، تهران، معاونت آموزش و پرورش.
- بخشایش اردستانی، احمد (۱۳۸۸) «تحلیل گفتمانی در بازاندیشی اجتماعی»، در: فصلنامه سیاست، بهار ۱۳۸۸، دوره ۳۹، شماره یک.
- بل، دیوید، (۱۳۸۹) درآمدی بر فرهنگ‌های سایبر، ترجمه مسعود کوثری و حسین حسینی، تهران، جامعه‌شناسان.
- بنت، دابلو لنس و رابرت ام انتمن (۱۳۸۹) سیاست رسانه‌ای شده، ارتباطات در آینده دموکراسی، ترجمه مسعود آریایی‌نیا، تهران، پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
- بهرامی کمیل، نظام (۱۳۸۸) نظریه رسانه‌ها جامعه‌شناسی ارتباطات، تهران، کویر.
- پاستر، مارک (۱۳۷۷) عصر دوم رسانه‌ها، ترجمه غلامحسین صالحیار، تهران، ایران.
- پیشگاه‌زاده، احمد (۱۳۸۸) «محو‌آره اینترنتی و تأثیر آن در فرهنگ عمومی»، در: فصلنامه تحقیقات فرهنگی، سال دهم، شماره هفتم.
- تاجیک، محمدرضا (۱۳۷۷) «متن، وانمود و تحلیل گفتمان»، در: فصلنامه گفتمان، تابستان ۱۳۷۷، شماره یک.
- (۱۳۸۳) گفتمان و پادگفتمان و سیاست، تهران، مؤسسه تحقیقات و توسعه علوم انسانی.
- (۱۳۸۴) روایت غیریت و هویت در میان ایرانیان، تهران، فرهنگ گفتمان.
- (۱۳۸۵) صدای پای آینده دهه چهارم و آینده‌های جامعه ایرانی، تهران، فرهنگ گفتمان.
- ترلو، کریسپین، آلیس تومیک و لورد لنگل (۱۳۹۰) ارتباطات کامپیوتر - واسط، ترجمه سروناز تربتی، تهران، جامعه‌شناسان.
- حسینی، محمد (۱۳۸۵) فرهنگ و رسانه‌های نوین، تهران، دفتر عقل.
- دریغوس، هیوبرت ال (۱۳۸۹) درباره اینترنت، ترجمه علی فارسی‌نژاد، تهران، ساقی.
- رزاقی، افشین (۱۳۸۵) نظریه‌های ارتباطات اجتماعی، چاپ دوم، تهران، آسیم.
- روزنا، جیمز و دیگران (۱۳۹۰) انقلاب اطلاعات، امنیت و فناوری‌های جدید، ترجمه علیرضا طیب، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- شهیدی، محمدمهدی و حمیده اسماعیلی (۱۳۹۰) «بررسی و تحلیل سیستم فیلترینگ در چین»، در ماهنامه تخصصی وب، آذر ۱۳۹۰، شماره ۱۳۸.
- ضیایی پرور، حمید و وحید عقیلی (۱۳۸۸) «بررسی نفوذ شبکه‌های اجتماعی مجازی در میان کاربران ایرانی»، فصلنامه رسانه، سال بیستم، شماره ۴.
- عباسی قادی، مجتبی و مرتضی خلیلی کاشانی (۱۳۹۰) تأثیر اینترنت بر هویت ملی، چاپ دوم، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- فیرحی، داود (۱۳۸۱) قدرت، دانش و مشروعیت در اسلام، چاپ دوم، تهران، نی.
- کراناک، جو (۱۳۷۷) کتاب آموزشی World Wide Web، ترجمه محمدرضا آیت‌الله زاده، تهران، کیومرث.
- کونگ، لوسی (۱۳۸۹) مدیریت راهبردی در رسانه از نظریه تا اجرا، ترجمه علی‌اکبر فرهنگی و دیگران، تهران، دانژه.
- مرادی، حجت‌اله، یدالله محمدی، باصری، محمدباقر حبیبی و محمدحسین الیاسی (۱۳۸۹) عملیات روانی و رسانه، چاپ دوم، تهران، ساقی.
- (۱۳۸۹) قدرت و جنگ نرم از نظریه تا عمل، چاپ دوم، تهران، ساقی.

- معینی علمداری، جهانگیر (۱۳۸۹) روش‌شناسی نظریه‌های جدید در سیاست (اثبات‌گرایی و فرا اثبات‌گرایی)، چاپ دوم، تهران، دانشگاه تهران.
- منوچهری، عباس (۱۳۸۷) رهیافت و روش در علوم سیاسی، تهران، سمت.
- مهرداد، جعفر و سارا کلینی (۱۳۸۷) مبانی فناوری‌های اطلاعاتی، چاپ دوم، تهران، سمت.
- نبوی، فاطمه و رحمت‌الله فتاحی (۱۳۸۶) فناوری اطلاعات، ارتباطات و شبکه‌ها، استانداردها و پروتکل‌ها، تهران، کتابدار.
- نش، کیت (۱۳۸۹) جامعه‌شناسی سیاسی معاصر جهانی شدن، سیاست، قدرت، ترجمه محمدتقی دلفروز، چاپ هشتم، تهران، کویر.
- نیک‌بخش، مرسده (۱۳۸۳) «مطالعه شیوه رفتار افراد در محیط مجازی اینترنت»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، تهران، دانشگاه تهران، دانشکده علوم اجتماعی.
- هوارت، دیوید (۱۳۷۹) نظریه گفتمان، مجموعه مقالات گفتمان و تحلیل گفتمان به اهتمام دکتر محمدرضا تاجیک، ترجمه امیرمحمد حاجی یوسفی، تهران، فرهنگ گفتمان.

- Berners-Lee, T (1999) Weaving the Web: The Past, Present and Future of the World Wide Web by its Inventor, London, Orion Business.
- Dawson, A (1997) The Internet for Library and Information Service Professionals, London, Aslib.
- Dery, M (1994) The Discourse of Cyberculture, London, Duke University Press.
- Holmes, D (1997) Virtual Politics, London, Thousand Oaks, CA, Sage Publications.
- Laclau, E & Mouffe, C, 1985 , Hegemony and Socialist Strategy: Towards a Radical Democratic Politics, London, verso.
- (1990) New Reflections on the Revolution of Our Time, London, Verso.
- Naughton, J (1999) A Brief History of the Future: The Origins of the Internet, London , Weidenfeld & Nicolson.
- (2001) Contested Space: The Internet and Global Civil Society, London, Oxford University Press.
- Paris, M (2005) Website Accessibility: A Survey of Local e Government Website and Legislation in Northern Ireland, available [http:// www.springerlink.com](http://www.springerlink.com), visited: 14/10/2010.
- Phillips, L & Jorgensen, M (2002) Discourse Analysis as Theory and Method, California, sege publications.
- Turkle, S (1995) Life on the Screen: Identity in the Age of the Internet, NewYork, Touchstone.